



دپارتمان حقوق و علوم سیاسی



متون انگلیسی

(تخصصی - عمومی)

گروه آموزشی علوم سیاسی و روابط بین الملل

۱۳۹۴

چاپ سوم



DEPARTMENT
of law and political sciences



متون انگلیسی ENGLISH TEXTS

PART 1 – BASIC OF POLITICAL SCIENCE		قسمت اول – مبانی علم سیاست
CHAPTER 1 – DEFINITION AND SCOPE OF POLITICAL SCIENCE	11	فصل اول – تعریف و حوزه علم سیاست
a. Definition of political science	11	الف – تعریف علم سیاست
b. Scope of political science	12	ب – حوزه علم سیاست
CHAPTER 2 – DEFINITION OF STATE	15	فصل دوم – تعریف حکومت
a. Population	17	الف – جمعیت
b. Territory	17	ب – قلمرو
c. Government	17	ج – دولت
d. Sovereignty	19	د – حاکمیت
CHAPTER 3 – THE STATE AND GOVERNMENT	22	فصل سوم – حکومت و دولت
CHAPTER 4 – THE STATE AND SOCIETY	24	فصل چهارم – حکومت و جامعه
a. The divine origin theory	25	الف – نظریه خاستگاه الهی
b. The patriarchal and matriarchal origin theory	26	ب – نظریه خاستگاه پدر سالارانه و مادر سالارانه
c. The force theory	26	ج – نظریه زور
d. The Social contract theory	26	د – نظریه قرارداد اجتماعی
e. The historical theory or the evolutionary theory	28	ه – نظریه تاریخی یا نظریه تکاملی
f. The organic theory (Nature of the state)	29	و – نظریه ارگانیک (طبیعت حکومت)
g. The idealist theory	29	ز – نظریه باورگرایانه
CHAPTER 5 – FORMS OF GOVERNMENT (Classification of state)	31	فصل پنجم – انواع دولت (تقسیم بندی حکومت ها)
CHAPTER 6 – ARISTOTLE'S CLASSIFICATION OF STATE	32	فصل ششم – تقسیم بندی ارسطو از حکومتها
CHAPTER 7 – CLASSIFICATION OF MODERN STATES	33	فصل هفتم – تقسیم بندی مدرن حکومتها
CHAPTER 8 – DEMOCRACY AS FORM OF GOVERNMENT	35	فصل هشتم – دموکراسی در قالب یک دولت
CHAPTER 9 – CONDITIONS NECESSARY FOR THE SUCCESS OF DEMOCRACY		فصل نهم – شرایط مورد نیاز برای موفقیت دموکراسی
a. Education	37	الف – آموزش
b. Vigilance	38	ب – مراقبت
c. Decentralisation of political powers	38	ج – تمرکز قدرت سیاسی
d. Civic Sense	38	د – حس شهروندی
e. Spirit of tolerance	39	ه – روحیه تساهل
f. Freedom of speech , association and press	39	و – آزادی بیان ، آزادی تجمع و آزادی مطبوعات
g. A written constitution containing fundamental rights	39	ز – قانون اساسی مکتوبی که در برگرداندن حقوق اساسی است
h. Democracy is a myth without economic equalit	39	ح – دموکراسی بدون برابری اقتصادی افسانه ای بیش نیست
CHAPTER 10 – DICTATORSHIP	41	فصل دهم – دیکتاتوری
CHAPTER 11 – SEPERATION PF POWER	44	فصل یازدهم – تفکیک قوا
CHAPTER 12- THE LEGISLATURE	46	فصل دوازدهم – قوه مقننه
CHAPTER 13 – THE EXECUTIVE	48	فصل سیزدهم – قوه مجریه
a. Norminal Exeutive	48	الف – مجری اسمی
b. Political Executive	49	ب – مجری سیاسی
c. Permonent exeutive	49	ج – مجری دائمی
CHAPTER 14 – THE JUDICIARY	53	فصل چهاردهم – قوه قضائیه

PART 2 – POLITICAL IDEOLOGIES

قسمت دوم – ایدئولوژی سیاسی

CHAPTER 1 – WHAT IDEOLOGY ?	56	فصل اول – ایدئولوژی چیست ؟
CHAPTER 2 – CLASSIC LIBERALISM	59	فصل دوم – لیبرالیسم کلاسیک
CHAPTER 3 – CLASSIC CONSERVATISM	62	فصل سوم – محافظه کاری کلاسیک



PART 4 – POLITICAL INSTITUTION		قسمت سوم – نهادهای سیاسی
CHAPTER 1 – POLITICAL INSTITUTION (1)	65	فصل اول – نهادهای سیاسی « ۱ »
CHAPTER 2 – POLITICAL INSTITUTION (2)	68	فصل دوم – نهادهای سیاسی « ۲ »

PART 5 – INTERNATIONAL RELATIONS

قسمت چهارم – روابط بین الملل

CHAPTER 1 – THINKING ABOUT INTERNATIONAL RELATIONS	73	فصل اول – تفکر در باب روابط بین الملل
a. Realism	75	الف- واقع گرایی
b. A framework for Analys	79	ب- چارچوبی برای تحلیل
CHAPTER 2 –BALANCE OF POWER	82	فصل دوم – موازنه قوا
CHAPTER 3 – FOREIGN POLICY	85	فصل سوم- سیاست خارجی
CHAPTER 4 – NATIONAL INTEREST AND NATIONAL VALUES	88	فصل چهارم – منافع ملی و ارزشهای ملی
CHAPTER 5 – POWER	91	فصل پنجم – قدرت
CHAPTER 6 – DIPLOMACY	93	فصل ششم – دیپلماسی
CHAPTER 7 – THIRD WORLD	95	فصل هفتم – جهان سوم
CHAPTER 8 – FOURTH WORLD	97	فصل هشتم – جهان چهارم
CHAPTER 9 – PARRERNS OF POWER	99	فصل نهم – حکومت جهانی
CHAPTER 10 – UNITED STATES AND ITS FOREIGN POLICY	101	فصل دهم – ایالات متحده و سیاست خارجی آن



PART 3 – INTERNATIONAL LAW

قسمت پنجم – حقوق بین الملل

CHAPTER 1 – SOURCES	109	فصل اول – منابع
a. custom	109	الف – عرف
b. Treaties	109	ب – معاهدات
c. General principles of law	110	ج – اصول کلی حقوقی
d. Judicial decisions	110	د – آراء قضایی
CHAPTER 2 – INTERNATIONAL TREATIES	113	فصل دوم – معاهدات بین المللی
CHAPTER 3 – UNITED NATIONS ORGANIZATION	117	فصل سوم – سازمان ملل متحد
CHAPTER 4 – PACIFIC SETTLEMENT OF DISPUTES	121	فصل چهارم – حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات
a. Negotiation	121	الف – مذاکره
b. Good offices	121	ب – مساعی جمیله
c. Inquiry	121	ج – تحقیق
d. Mediation	121	د – میانجگری
e. Conciliation	122	ه – سازش
f. Arbitration	122	و – داوری
g. Adjudication or judicial settlement	122	د – دادرسی یا رسیدگی قضایی

پيوست ۱ - پرسشنامه

در این پیوست سؤالات متعدد آزمون های گذشته از اولین آزمون الی سال ۸۴ آورده شده است . سؤالات از سال ۸۵ نیز به طور کلی در پیوست ۳ آمده است .



پیوست ۲ - زبان عمومی

CHAPTER 1 – COMPLETE WORKS	174	فصل اول – کلیات
CHAPTER 2 – VERB	175	فصل دوم – فعل
1. regular verbs	175	۱. افعال با قاعده
2. Irregular verbs	175	۲. افعال بی قاعده
3. auxiliary verbs	175	۳. افعال معین کمکی
4. Intransitives	179	۴. افعال لازم
5. transitives	179	۵. افعال متعدی
6. Active verbs	180	۶. افعال معلوم
7. Passive Voices	186	۷. افعال مجهول
CHAPTER 3 - SENTENCES MOOD	190	فصل سوم – وجه جملات
1. Imperative mood	190	۱. وجه امری
2. Infinitive mood	190	۲. وجه مصدری
3. Subjunctive mood	193	۳. وجه التزامی
4. Participle mood	195	۴. وجه وصفی
5. Causative mood	195	۵. وجه سببی
6. Direct and indirect speech	195	۶. نقل و قول مستقیم و غیر مستقیم
7. Agreement to the sentences	197	۷. موافقت با جملات خبری
8. question tags , short question	198	۸. سوالات کوتاه در انتهای جملات
CHAPTER 4 – INTERROGATIVE WORDS – QUESTION WORDS	199	فصل چهارم – کلمات استفهام
CHAPTER 5 – GRAMMAR TERMS	201	فصل پنجم – اصطلاحات گرامری
CHAPTER 6 – INTERROGATIVE PRONOUN	210	فصل ششم – ضمیر
CHAPTER 7 – ADJECTIVE	211	فصل هفتم – صفت
1. Absolute adjective	211	۱. صفت مطلق
2. Comparative adjective	211	۲. صفت تفضیلی
3. Superlative adjective	211	۳. صفت عالی
4. Possessive adjective	212	۴. صفات ملکی
CHAPTER 8 – ADVERB	213	فصل هشتم – قید
CHAPTER 9 – NOUN	214	فصل نهم – اسم
CHAPTER 10 – CHARACTER	216	فصل دهم – حروف
1. The	216	۱. حرف تعریف The
2. a.an	216	۲. حرف تعریف نامعین a.an
3. Conjunction	216	۳. حرف ربط
4. Preposition	217	۴. حرف اضافه
CHAPTER 11 – PREFIX , SUFFIX	218	فصل یازدهم – پیشوند ، پسوند
CHAPTER 12 – NOTATION	220	فصل دوازدهم – نشانه گذاری
CHAPTER 13 – WORD LIST	221	فصل سیزدهم – لیست لغات
CHAPTER 14 – IRREGULAR VERBS	241	فصل چهاردهم – لیست افعال بی قاعده

پیوست ۳ - مجموعه سوالات متون انگلیسی

۲۴۶	۱. متون انگلیسی آزمون کارشناسی ارشد سراسری . اسفند ماه ۱۳۸۵
۲۵۳	۲. متون انگلیسی آزمون کارشناسی ارشد سراسری . اسفند ماه ۱۳۸۶
۲۶۰	۳. متون انگلیسی ، آزمون کارشناسی ارشد سراسری ، بهمن ماه ۱۳۸۷
۲۶۷	۴. متون انگلیسی ، آزمون کارشناسی ارشد سراسری ، بهمن ماه ۱۳۸۸
۲۷۴	۵. متون انگلیسی ، آزمون کارشناسی ارشد سراسری ، بهمن ماه ۱۳۸۹
۲۸۱	۶. متون انگلیسی ، آزمون کارشناسی ارشد سراسری ، بهمن ماه ۱۳۹۰
۲۸۷	۷. متون انگلیسی ، آزمون کارشناسی ارشد سراسری ، بهمن ماه ۱۳۹۱
۲۹۴	۸. متون انگلیسی ، آزمون کارشناسی ارشد سراسری ، بهمن ماه ۱۳۹۲
۳۰۰	۹. متون انگلیسی ، آزمون کارشناسی ارشد سراسری ، بهمن ماه ۱۳۹۳



پیوست ۴ - مجموعه سوالات دکتری متون انگلیسی

- | | |
|-----|--|
| ۳۰۸ | ۱. متون انگلیسی آزمون دکتری علوم سیاسی ، ۱۳۸۹ |
| ۳۰۹ | ۲. متون انگلیسی آزمون دکتری روابط بین الملل . ۱۳۸۹ |
| ۳۱۰ | ۳. متون انگلیسی آزمون دکتری علوم سیاسی . ۱۳۹۰ |
| ۳۱۱ | ۴. متون انگلیسی ، آزمون دکتری روابط بین الملل ، ۱۳۹۰ |

مقدمه

زبان بین الملل ، زبان علم ، اطلاعات ، ارتباطات و دنیای امروز زبان انگلیسی است . تقریباً اهم مراکز مهم علمی در سراسر جهان که به کارهای پژوهشی و تحقیقی مبادرت دارند به زبان انگلیسی هستند .

بسیاری از کشورهای حتی ضعیف جهان ، با وقوف به این مهم ، عطف و جهش شدیدی را از مدت‌ها ، جهت عجین کردن این زبان در متن فرهنگ خویش آغاز کرده اند . لیک ، در اینجا از مدت‌ها قبل بحرانی با این زبان آغاز ، و ماحصل آن این شده است که تقریباً اهم مردم به شکل آکادمیک از آن بیگانه اند و برخی هم که به مناسبت‌هایی و مقطعی بدان وارد می شوند ، چون پایه علمی نداشته ، ماندگاری و منتج به نتیجه نیست . در چنین بحران ساختاری و پایه ای راهکارهای موجود نیز تخدیری و بی جواب است .

بنابراین باید با دیدی منطقی به وضعیت موجود نگاه ، و با واقعیت‌های موجود بدان وارد شد . کلیت واقعیت موجود این است که زبان محاوره بین المللی ، زبانی که علم با آن سخن می گوید زبان انگلیسی است و ما هیچ از آن نمی دانیم . بسیاری از کشورهای حتی کوچک افریقای به سه زبان انگلیسی ، فرانسه و عربی تکلم می کنند . این واقعیت را تصور کنید که فردی در مقطع کارشناسی ارشد وارد معتبرترین دانشگاه کشور شود ، در صورتی که ورقه زبان انگلیسی وی سفید است . در نتیجه منابع دانشگاهی خارجی ترجمه و تحت عنوان دیگر و به نام دیگری چاپ شود . مقالات و نشریات خارجی تفسیر به رأی ترجمه و ارائه شود و غیره . با تعمق به موارد فوق :

۱. نخست باید علاقه و انگیزه ورود به زبان انگلیسی تکوین و ایجاد شود . پرداختن به صرف و جهت آزمون با ملحوظ شرایط موجود ، انحرافی برای اضطراب و نگرانی و مفید فایده نیست .

۲. با حصول شرایط نخست ، تایمی هر چند کوتاه ، یک ساعت از بیست و چهار ساعت ، پیوسته و مستمر ، در دراز مدت به مطالعه زبان انگلیسی اختصاص داده شود .

۳. با توجه به شرایط خویش به مطالعاتتان حالت پراکتیک و عملی دهید . به عبارتی از مطالعه تئوریک زبان انگلیسی خودداری شود . در این تم هرگز از دیگران نخواهید که به شما برنامه دهند .

۴. با عطف به آخرین آزمون ارشد سراسری ، نیمی از سؤالات مطروحه زبان انگلیسی ، تخصصی و نیمی از آن نیز عمومی است . بر این اساس موضوعات این جزوه [همانگونه که از صفحات ۱ الی ۷ آمده است] در دو بحث متمایز ، پلان بندی و تقسیم و تفکیک موضوع شده است :

بحث اول زبان تخصصی است که در پنج قسمت : مبانی علم سیاست ، ایدئولوژی سیاسی ، نهادهای سیاسی ، روابط بین الملل و حقوق بین الملل آمده است . این تقسیم بندی صرفاً جهت تمایز موضوعات و سهولت یادگیری بوده ، هرگز به این مفهوم نیست که به فرض ، شرکت کننده گرایش روابط بین الملل فقط موضوعات روابط بین الملل را مطالعه نماید . در بحث زبان تخصصی بیشتر یادگیری لغات و اصطلاحات مجموعه علوم سیاسی مطرح است . این یادگیری باید با ممارست در فحوا و متن درس به دست آید نه حفظ کردن که به جد نهدی می شود . در این باب با توجه به کثرت موضوعات و اینکه هر یک از دانشگاهها و اساتید سلیقه ای و گزینشی در انتخاب موضوعات برای تدریس و نهایتاً طرح سوال استفاده می کنند ، منطقی آن است که مهمترین موضوعات مجموعه علوم سیاسی انتخاب و آورده شود .

بحث دوم زبان عمومی است که بر اساس سؤالات مطروحه به گرامر و دایره لغت منقسم است . در بحث زبان عمومی با توجه به کثرت متون و دایره لغات توصیه می شود بیشتر به گرامر پرداخته شود که مشخص تر و در نهایت بیشتر پاسخگو خواهد بود .



قسمت اول

مبانی علم سیاست

Definition and scope of political science

a. Definition of political science

The expression “political science” has not been explained by any political thinker in a clear and scientific way. The definition given by them is rather the subject - matter of political science. Whether we accept these definitions or not they serve an acceptable, ground work of political science.

define	تعریف کردن، توضیح دادن
definition	تعریف
explain	تشریح کردن، توضیح دادن
thinker	اندیشمند
subject –matter	موضوع، محتوا
accept	قبول کردن
acceptable	قابل قبول
scope	حوزه، محدود
express	بیان کردن، اظهار کردن
expression	اصطلاح
scientific	علمی
rather	نسبتاً
serve	ارائه کردن، پذیرایی کردن
ground work	مبنای کار، مقدمات کار

تعریف و حوزه علم سیاست

الف – تعریف علم سیاست

اصطلاح «علم سیاست» توسط هیچ دانشمند سیاسی به طریق علمی و واضح توضیح داده نشده است. تعریفی که توسط آنها ارائه شده است بیشتر محتوای علم سیاست است. چه ما این تعاریف را بپذیریم یا نپذیریم، آنها نقطه شروع قابل قبولی برای علم سیاست ارائه می کنند.

the subject – matter of political science begins and ends with the state .so the swiss scholar, J.K. Bunschi is of the view that political science attempts to understand the state is its fundamental conditions. The same of the view of H. G. James: “political science may be defined as the science of the state” So the state is the be all and end all of political science.

view

دیدگاه

condition	شرایط
state	حکومت
be able and end all	هدف
scholar	اندیشمند، دانشمند
attempt	تلاش کردن، سعی کردن
fundamental	پایه‌ای، اساسی

محتوای علوم سیاسی با حکومت آغاز و پایان می‌یابد. بنابراین محقق سوئسی جی. کی، با نشی عقیده دارد که علم سیاست سعی در فهم حکومت در شرایط ذاتی آن دارد. همین طور است نظر اچ، جی. جیمز: «علم سیاست را شاید بتوان به علم حکومت تعریف کرد.» بنابراین حکومت تنها هدف علم سیاست است.

b. Scope of political science

the following are the issues which fall within the scope of political science.

following	آنچه در پی می‌آید
issue	صادر کردن، انتشار کردن، مسأله
fall within	در داخل چیزی قرار گرفتن، در زمره ... قرار گرفتن

ب - حوزه علم سیاست

آنچه در ادامه می‌آید مسائلی هستند که در حوزه علم سیاست قرار می‌گیرند.

Nature and origin of the state – political science examines the nature, origin and the end of the state. It points out the relations of the state with the individual that compose, it and at the same time suggest the relation between one state and another. The other major function of political science is its investigation in to the origins of the state.

nature	طبیعت، سرشت
exam (n)	امتحان
examination (n)	امتحان
exam (v)	امتحان کردن
individual	فرد، نفر
compose	تشکیل یافتن، تشکیل دادن
major	اصلی، مهم
junction	کارکرد
origin	ریشه، آبشخور
end	هدف، پایان
point out	نشان دادن
relation	ارتباط
relate (v)	ارتباط برقرار کردن

suggest	پیشنهاد کردن، ارائه کردن
investigate	جستجو کردن، بررسی
investigation	جستجو، تحقیق

طبیعت و آبخشور (ریشه) حکومت - علم سیاست به بررسی طبیعت، آبخشور و هدف حکومت می‌پردازد. این اشاره دارد به روابط بین حکومت و افرادی که آن را تشکیل می‌دهند و همزمان نیز پیشنهاد کننده رابطه بین حکومت با دیگر حکومتها است. کارکرد اصلی دیگر علم سیاست بررسی آبخشورهای حکومت است.

Development of political forms – political science studies the various forms of political institutions and theories. It makes a scientific investigation in to the origin of the institutions and how the old forms replaced by the new ones. It explains various movements and tendencies.

develop	توسعه و گسترش دادن
development	توسعه
institution	نهاد، ارگان
replace	جایگزین کردن
form	شکل، نوع
various	گوناگون
movement	جنبش، تحرک
tendency	گرایش، تمایل

توسعه قالبهای سیاسی - علم سیاست به مطالعه قالبهای مختلف نهادها و اندیشه‌های سیاسی می‌پردازد. این (علم سیاست) تحقیق علمی در مورد آبخشورهای نهادها و چگونگی جایگزینی قالبهای قدیمی با جدید انجام می‌دهد. این انواع جنبشها و گرایشها را تشریح می‌کند.

what the state ought to be – political science discusses the politico – ethical aspects of what the state ought to be. It embodies the principle which influence the administration of political affairs and formulates proper field and functions of the state. Keeping in tune with the changing ideas and political theories, it endeavours to improve the political institutions and organisations.

discuss	بحث کردن
aspect	جنبه، وجه
influence (n) (v)	تاثیر گذاشتن اثر تاثیر
administration	اداره کردن
formulate	تنظیم کردن، برنامه ریزی کردن
keep in tune (with)	هماهنگ کردن با

endeavour (n) (v)	تلاش، سعی، تلاش کرد
organization	سازمان
politico – ethical	اخلاقی، سیاسی
embody	شامل شدن، در بر گرفتن
principle	اصل
affair	امر
field	زمینه
Proper	صحیح، درست
improve	پیشرفت کردن، گسترش دادن

آنگونه که دولت باید باشد - علم سیاست بحث می کند که از نظر اخلاقی - سیاسی حکومت باید چگونه باشد. این شامل اصولی می شود که بر اداره امور سیاسی و تنظیم صحیح حوزه ها و کارکردهای حکومت تأثیر گذارند. به منظور هماهنگی با عقاید و اندیشه های سیاسی که مدام تغییر می کنند، علم سیاست پیوسته در تلاش برای گسترش نهادها و سازمانهای سیاسی می باشد.

Political science is indeed a science. But it is an unexact science. We must admit that the principles formulated by a political scientist as a result of observation, analysis and experiment are not as accurate as. The laws of physical like physics and chemistry this will be clear if we notice the difference between political science and other physical sciences.

indeed	اصلاً، در کل
admit	اقرار کردن، اذعان کردن
observation	مشاهده
experiment	تجربه، آزمایش
accurate	دقیق
notice	توجه کردن
exact	دقیق
unexact	غیر دقیق
analysis	تحلیل
physics	فیزیک (علم)
chemistry	شیمی (علم)

علم سیاست در کل یک معلم است. اما یک معلم غیر دقیق. ما باید اذعان کنیم اصولی که توسط یک اندیشمند سیاسی در نتیجه مشاهده، تحلیل و تجزیه تنظیم شده است، به دقتی قوانین علوم طبیعی چون فیزیک و شیمی نیستند. در صورتیکه ما به تفاوتهای علوم سیاسی و دیگر علوم طبیعی توجه کنیم این امر واضح خواهد شد.



CHAPTER 2

Definition of state

Although the scholars differ among themselves as to the definition of the state. They are at one with regard to the characteristics of the state. Authorities are agree on certain essential properties of a state. These are population, territory, government and sovereignty. The last mentioned element clothes the government with a monopoly of force for the preservation of peace and order and having a plentiful authority with in the state independant, of external control except that of International law. Since a state can not function under that law unless it is recognised by the members of the community of nations. Such diplomatic recognition is often considered another property of the state.

differ	اختلاف داشتن، متفاوت بودن
authority	اتوریته، منبع موثق
property	مایملک، دارایی
population	جمعیت
territory	قلمرو، سرزمین
government	دولت
sovereignty	حاکمیت
force	نیرو، زور
order	نظم
plentiful	فراوان، زیاد
independant	مستقل
dependant	وابسته
control (v) (n)	کنترل، کنترل کردن
community	اجتماع، جامعه
diplomatic	دیپلماتیک
with regard to	با توجه به ، بر اساس
characteristics	خصوصیات، ویژگیها
essential	اساسی
essence	ماهیت، اصل
element	عنصر، عامل
mention	اشاره کردن، اذعان دادن به
cloth	پوشاندن، مجهز کردن
monopoly	انحصار، مطلقه بودن
preserve	حفظ کردن، نگهداری کردن

preservation	حفظ، نگهداری
external	خارجی
internal	داخلی
recognise	به رسمیت شناختن، تشخیص دادن
recognition	عمل به رسمیت شناختن
consider	به حساب آوردن، مورد بررسی قرار دادن

تعریف حکومت

اگر چه اندیشمندان خود بر سر تعریف حکومت اختلاف دارند، ولی آنها با توجه به خصوصیت‌هایی که برای حکومت می‌شمرند بر یک (طریق) اند. صاحب‌نظران این عرصه بر سر دارایی‌های اساسی معینی برای حکومت اتفاق نظر دارند. اینها عبارتند از جمعیت، قلمرو، دولت، حاکمیت. آخرین عنصر دولت را مجهز می‌کند به یک قدرت انحصاری برای حفظ صلح و نظم و دارا بودن اقتدار فراوان در درون حکومت که مستقل از هر کنترل خارجی غیر از حقوق بین‌الملل می‌باشد. چرا که یک حکومت نمی‌تواند تحت آن قانون عمل کند مگر اینکه توسط دیگر اعضای جامعه ملتها به رسمیت شناخته شود. یک چنین به رسمیت شناخته شدن دیپلماتیکی اغلب یک دارایی دیگر حکومت محسوب می‌شود.

Further, most political theorist emphasise on the purpose or end as an important element of the state. This purpose is stated as the promotion of the common good or general welfare which will be the sixth essential property of the state. The agreed view of the scholars is that the state has four essential attributes. These are population, territory, sovereignty and government. While population and territory make the physical basis of the state, government and sovereignty stand for the political and spiritual basis.

emphasize	تاکید کردن
purpose	هدف، غایت
good	خیر، مصلحت
general	کلی، عام
attribute	خصوصیت، ویژگی
stand for	نشان دهنده، نمایانگر بودن
state (v)	اظهار کردن، بیان کردن
promotion	اشاعه، نشر
common	مشترک، عمومی
welfare	رفاه
basis	بنیان، اساس
spiritual	معنوی، روانی

مضافاً، اغلب اندیشمندان سیاسی تأکید می‌کنند که قصد یا هدف نیز عنصر دیگری از حکومت است از این هدف به اشاعه منافع عمومی یا رفاه جمعی یاد کرده اند که ششمین دارایی اساسی حکومت خواهد بود. نظریه‌ای که اندیشمندان بر سر آن

توافق کرده اند این است که حکومت چهار خصیصه اساسی دارد. اینها جمعیت، قلمرو، حاکمیت و دولت هستند. در حالی که جمعیت و قلمرو بنیان مادی حکومت را تشکیل می‌دهند، دولت و حاکمیت نمایانگر بنیان سیاسی و معنوی حکومت هستند.

a. Population

population is to the state as flesh is to the body. There can not be any state without the people inhabiting it. The population comprise the people permanently living in the state.

flesh	گوشت
compromise	مصالحه کردن
comprise	شامل شدن، در بر گرفتن
inhabit	ساکن شدن، سکونت کردن
permanently	طور دائمی

الف - جمعیت

جمعیت برای حکومت مانند گوشت است برای بدن. هیچ حکومتی بدون وجود افرادی که در آن ساکن هستند نمی‌تواند وجود داشته باشد. جمعیت شامل افرادی می‌شود که بطور دائم در حکومتی زندگی می‌کنند.

b. Territory

Territory is as essential for a state as bones are for a body. Every state must have a definite land of its own with settled population in it.

bone	استخوان
land	سرزمین، خاک
definite	مشخص، معین

ب - قلمرو

حساسیت قلمرو برای حکومت به میزان اهمیت استخوانها است برای بدن. هر حکومتی باید سرزمین مشخص برای خود داشته باشد که در آن جمعیتی ساکن وجود دارد.

c. Government

Mere existence of the population does not make a state. There must be some authority to regulate people under law and order. This authority which forms a part of the population is called government.

mere
regulate
authority

ج - دولت

صرف وجود جمعیت یک حکومت را نمی‌سازد. میزانی اقتدار باید وجود داشته باشد که افراد را تحت قانون و نظم انتظام بخشد. این اقتداری که از قسمتی از جمعیت شکل یافته است دولت نام دارد.

The government consists of three organs. They are legislature, executive and judiciary. Each of them has separate field of action. The legislature makes law, the executive enforces it and the judiciary interprets it. This obtains in all states irrespective of the forms of the government, no matter whether it is a democracy or dictatorship, parliamentary or presidential. Even if there is a change in the government either by election or a coup d'état it may affect the government but not the state.

consist	تشکیل شدن
legislature	مقننه
executive	مجریه
judiciary	قضائیه
obtain	متداول بودن
irrespective (of)	صرف نظر از اینکه
elect	انتخاب کردن
election	انتخابات
affect	تأثیر گذاشتن
coup d'état	کودتا
organ	نهاد، ارگان
separate (n) (v)	جدا کردن، جدا
enforce	اعمال کردن، اجرا کردن
interpret	تفسیر کردن
interpretation	تفسیر
democracy	دمکراسی
dictatorship	دیکتاتوری
parliamentary	پارلمانی
presidential	ریاستی

دولتها از سر نهاد تشکیل شده اند. آنها نهادهای قانونگذاری، مجریه و قضائیه هستند. هر یک از آنها عرصه فعالیت مجزایی دارند. مقننه قانون وضع می‌کند، مجریه آنها را اجرا می‌کند و قضائیه آنها را تفسیر می‌کند. در تمامی حکومتها صرف نظر از اینکه چه نوع دولتی دارند، چه دمکراتیک یا دیکتاتوری و چه پارلمانتاری یا ریاستی باشند، در تمامی آنها این امر متداول است. حتی اگر تغییری در یک حکومت از طریق انتخابات یا کودتا ایجاد شود. این ممکن است دولت را تحت تأثیر قرار دهد ولی حکومت را خیر.

d. Sovereignty

This element of supremacy in all affairs internal and external is the most important attribute of the state. The state is supreme in all internal matters. It can carry on its programme and policy through out the length and breadth of its area. The state is also externally sovereign and carries on its foreign and economic policy in the globe. Every state is equal to other state in international law. It is this element of sovereignty that distinguishes the state from all other associations.

supremacy	تفوق
supreme	برتر، عالی، مافوق
through out	در طی
programme	برنامه
area	منطقه، محدوده، عرصه
sovereign (n) (v)	حاکم، حاکمیت کردن، مسلط بودن
equal (adj)	برابر
association	انجمن
affair	امور
carry on	انجام دادن
policy	سیاست، خط مشی
length	طول
breadth	عرض
globe	جهان
distinguish	جدا کردن

د- حاکمیت

این عنصر برتر در تمامی امور داخلی و خارجی مهمترین خصیصه حکومت است. حکومت در تمامی امور داخلی برتر از دیگران است. حکومت می تواند برنامه ها و سیاستهای خود را در تمامی طول و عرض محدوده خود رهبری کند. هر حکومت از نظر خارجی نیز حاکمیت دارد و می تواند سیاستهای اقتصادی و خارجی خود را در جهان رهبری کند. هر حکومتی با حکومت دیگر از نظر حقوق بین الملل برابر است. این عنصر حاکمیت است که باعث تفاوت بین حکومت و دیگر انجمنها می شود.

Titular and Actual Sovereign - The titular sovereign and actual sovereign are two opposite terms. The titular or nominal sovereign is and who is sovereign only theoretically. But the real sovereignty is vested in a different body. The first is rather a rubber stamp and the second is the real man controlling the puppet from behind the scene.

opposite	متضاد، مخالف
nominal	اسمی

term	لغت، کلمه
rubber stamp	آلت دست، بازیچه
scene	صحنه
suppet	عروسک خیمه شب بازی، بازیچه
titular	تشریفاتی
actual	واقعی
theoretically	تئوریک، نظری
vest in	واگذار کردن، محول کردن
real	حقیقی

حاکمیت تشریفاتی و واقعی – حاکم تشریفاتی و حاکم واقعی دو واژه متضاد هستند. حاکم تشریفاتی یا اسمی آن کسی است که تنها از نظر تئوری حکومت می‌کند، در حالی که حاکمیت واقعی به یک مجموعه دیگر واگذار گردیده است که اولی تقریباً فرمایشی است و دومی فرد واقعی است که از پشت صحنه عروسکهای خیمه شب بازی را هدایت می‌کند.

De jure sovereign and De Facto sovereign – In times of war or during the revolution some authorities in the state and rules the country with the backing of the army. That authority has no legal right to hold on power. This type of emergency – born sovereign is called the de facto sovereign. When the de facto sovereign is successful in restoring law and order and victory in the war front, that sovereign may continue Permanently and become de jure sovereignty.

de jure	حقوقی، قانونی
de facto	عملی، بالفعل
rule	حکومت کردن، رهبری کردن
ruler	رهبر
right	حق
legal	قانونی، حقوقی
type	نوع، گونه
victory	پیروزی
restore	برقرار کردن
continue	ادامه یافتن
capture in	تصاحب کردن، تصرف کردن
revolution	انقلاب
backing of	با پشتوانه، با حمایت
army	نیروی نظامی
hold on	گرفتن، در دست گرفتن
emergency	حادثه، سانحه، حالت فوق العاده
successful	موفق

war front

جبهه جنگ، خط مقدم

emergency – born

دفعی الولاده - ناگهانی

حاکمیت قانونی و حاکمیت بالفعل - در زمان جنگ یا در طی یک انقلاب بعضی قدرتها حکومت را تصاحب می کنند و کشور را با حمایت ارتش رهبری می کنند. این قدرت حق قانونی در دست داشتن قدرت را ندارد. این نوع حاکمیتی که ناگهانی پدید آمده را حاکمیت بالفعل می گویند. وقتی یک حاکمیت بالفعل موفق به برقراری مجدد قانون و نظم می شود و در جبهه مخاصمه پیروز می شود، ممکن است این حاکمیت بطور دائمی ادامه یابد و به حاکمیت قانونی مبدل گردد.

